

متن پیاده سازی شده جلسه نود و چهارم سال چهارم درس خارج فقه القضا 21 خرداد ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

درس اخلاق

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَاذَانَ الْقُمِّيَّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ قَالَ: قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعَةَ أَشْيَاءَ بَغَيْرِ سَبْعَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْإِسْتِهْزَاءِ، مَنْ اسْتَعْفَرَ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَنْدَمْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَ لَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ وَ... . كنز الفوائد؛ ج 1؛ ص 330.

امام رضا علیه السلام می فرمایند: اگر کسی از خداوند متعال توفیق را مسألت نماید ولی تلاش و کوشش ننماید خودش را در معرض سُخره قرار داده است.

به مناسبت ولادت امام رضا علیه السلام و تعطیلی آخر سال مناسب دیدیم این روایت را بیان کنیم.

چند نکته در مورد این روایت شریف؛

اول: اگر توفیق، رحمت، فیض یا هر چه که شما مایل هستید بگویید بخواهد شامل حال کسی بشود غالباً کانال خاص خودش را دارد و باید از آن عبور نمود و این جا تلاش انسان مطرح می شود و مباحث اعتقادی آن که تا چه اندازه اثر دارد؛ یا همه را به خداوند متعال واگذاریم؛ حضرت می فرمایند: خیر باید تلاش نمود.

دوم: هر تلاشی الزاماً قرین با نتیجه نیست یکی از اندیشمندان قائل است که چهار صورت برای اِتلاف وقت داریم؛ یک: کار نکردن، دو: بد کار کردن، سه: کم کار کردن، چهار: بیهوده کار کردن.

سوم: برنامه ریزی وقتی قرار شد هر تلاشی نتیجه نداشته باشد پس باید برنامه ریزی کنیم برای کارهایمان. امام صادق علیه السلام در جواب کسی که سوال از تقوا کرده بود فرمودند: هر کجا امر خداوند است حاضر باشید و هر کجا نهی او، غایب باشید حالا برخی با انکار و اوراد خاص می خواهند این را به دست بیاورند نه این که رد بتمامه بکنیم بلکه تکیه گاه حضرات معصوم اتیان واجب و ترک گناه بوده است. این برای امور اخلاقی است حال امور علمی چه؛ شما که تعطیلی ندارید بلکه تبدیل باید داشته باشید و در مقابل ثانیه ها نیز مسئول هستیم؛ وَ قَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ، سوره مبارکه صافات؛ ج 24، روایات ذیل آیه را ملاحظه نمایید.

همچنین برنامه تبلیغی، آیا می شود بگوییم ما در زمانه ای هستیم که به تبلیغ نیازی نیست؟! آیا می شود گفت که وظیفه تبیین احکام الهی را نداریم؟! زمانی بود طلبه چند روایت و آیه حفظ می کرد کافی بود ولی الان این گونه نیست بلکه الان مسائل بین المللی داخلی شده است و یک مبلغ یا مجتهد باید هنر جمع بین دین و تجدد (به روز بودن و زمانه خود را درک کند) را داشته باشد. نکته ای که باید لحاظ کنیم رتبه بندی اعمال است؛ درست است که نماز مستحبی و دعا و نماز و شب و غیره مهم و لازم است ولی در کلام امام رضا علیه السلام چیزی محبوب تر از کمک کردن به مردم نیست البته بعد از ایمان به خداوند و اعتراف بر اولیاء از آل رسول علیهم صلوات الله.

... فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَنْفَرُوا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلِ اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَ شُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَ أَيَّادِيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ بَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِيَائِهِ اللَّهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ص أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ مَعَاوَنَتِكُمْ لِإِحْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَى جَنَّاتِ رَبِّهِمْ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى... . عیون أخبار الرضا علیه السلام؛ ج 2؛ ص 169.

## ادامه بحث فقه القضاء - پاسخ به چند سوال

سوال اول: بالاخره بیست ضربه شلاق حضرت امیر علیه السلام به نجاشی شاعر چگونه است؟

جواب: اولاً روایت سند ندارد و ثانیاً وثوق به صدور هم نداریم ثالثاً چون روایات این‌گونه خارجی است نه حقیقیه لذا اطلاع از جمیع جهات اتفاق افتاده در زمان صدور روایت نداریم بنابراین قابل استناد نمی‌تواند باشد.

سوال دوم: با توجه به مقاصد شریعت و حتمی بودن برخی از مننه چرا شما به اطلاقات تمسک نمودید برای منع مجازات‌های تبعی و تکمیلی؟

جواب: ببینید اگر قائل باشیم برای هرگناهی تعزیری هست، اگر کسی به مسجد بی‌احترامی کرد تعزیر شود که استاد محترم این قاعده را به موجب کلیه قبول ندارند اما فرض ما این است که عمل منافی عفت در مسجد انجام داده است و عنوان مستقلی نیز برای این هتک حرمت جداگانه متصور نیست در این فرض تشدید مجازات نداریم و اینکه ما قائل بر مقاصد هستیم ولی کنترل شده.

سوال سوم: در قانون کشور صرف تعدد عنوان را مستحق تعدد معنون (مجازات) دانسته و حال این‌که شما قبول نکردید به صرف تعدد عنوان، معنون نیز متعدد بشود و مستشکل آدرس به ماده 131 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392 داده اند. جواب: این ماده اگر دقیق مطالعه شود اتفاقاً ربطی به مجازات‌های تبعی و تکمیلی ندارد و بلکه مجازات اشد بیان شده که ربطی به بحث ما ندارد و صرف تعدد عنوان موجب تعدد معنون را بحث نموده است.

## ادامه بحث سیاست افتراقی یقه سفیدها

در بررسی روایات بودیم که بهترین منبع را نهج البلاغه می‌دانیم و نامه حضرت امیر علیه‌السلام به مالک اشتر؛ و متاسفانه برخی جریانات ناصحیح و ابتر در اشکالاتی که بر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است و بعضی شعارها که عملی نشده، گرچه دستمان از جواب خالی نیست ولو این‌که قصور، تقصیر، ندانم‌کاری و توطئه‌های کمرشکن بیرونی نیز داشته‌ایم؛ به سراغ تاریخ زندگی معصومین و روایات و نهج البلاغه می‌روند.

اولاً: اصلاً قابل مقایسه نیست، ثانیاً: در نهج البلاغه ادعای ثلث نمودند که در مورد اختلاسات زمان حضرت امیر علیه‌السلام است غلط است بلکه چند مورد بیشتر نیست و حضرت مقابله جدی با آن‌ها کردند، ثالثاً: این دفاع از نظام و کشور و انقلاب نیست بلکه خود ضربه محکم و کاری بر پیکره این انقلاب است.

وَ ابْعَثِ الْعِيُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ فَإِنَّ تَعَهُدَكَ فِي السِّرِّ أُمُورُهُمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَ تَحَفُّظِ مِنَ الْأَعْوَانِ فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا أَخْبَارُ عِيُونِكَ اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدْنِهِ وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ فَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ وَ... تحف العقول؛ النص؛ ص 137.

در این نامه حضرت به صراحت از تشدید مجازات و سیاست افتراقی صحبت می‌نمایند، چون معمولاً دو شاهد نیاز است ولی برای کارگزاران نظام دینی یک شاهد را کافی می‌دانند و هر پولی که از این راه نامشروع به او رسیده است گرفته شود نظیر کاری که حضرت امیر در مورد ابن‌هرمه کردند.

نامه دیگر حضرت به زیاد بن ابیه است؛ استاندار حضرت عبدالله بن عباس است که بر منطقه وسیعی از بصره، اهواز، فارس و کرمان حاکم بوده است ولی بصره از طرف ابن‌عباس به دست زیاد بن ابیه داده می‌شود؛ که حضرت مستقیماً به زیاد نامه می‌نویسند که اگر بشنوم خیانت کردی در مال مسلمین کم یا زیاد با شدت با تو برخورد می‌کنم.

وَ إِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا لَئِنْ بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ تَقِيلَ الظَّهْرَ ضَنْبَيْلَ الْأَمْرِ وَالسَّلَامِ. نهج البلاغه (للصباحي صالح)؛ ص 377.